

در آینه ایرانی

تصویر غرب و غربی‌ها در داستان ایرانی

دکتر محمد رضا قانون‌پرور

ترجمه: دکتر مهدی نجف‌زاده

استادیار علوم سیاسی دانشگاه خردوسی مشهد



انتشارات تیسرا

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

-
- سرشناسه : قانون پیرس سرخشا، ۱۳۰۰
عنوان و نام پدیدآور : در آینه ایرانی: تمثیلی از آفرینش‌های ادبی غربی‌ها در داستان ایرانی / محمدرضا قانون‌پرور؛ ترجمه مهدی نجف‌زاده.
- مشخصات نشر : تهران: تیسرا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : ۲۶۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱.
- فروست : علوم سیاسی؛ ۴.
فروست : فرهنگ و اجتماع؛ ۳۵.
شابک : ۹۶۴-۷۲۱۲-۰۰-۴ ریال: ۱۲۰۰۰۰
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
یادداشت : عنوان اصلی: In a Persian Mirror: Images of the West and Westerners in Iranian Fiction, 1993
- یادداشت : چاپ قبلی: فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۳.
- موضوع : تمدن غربی در ادبیات
موضوع : داستان‌های فارسی - قرن ۱۳ ق - تاریخ و نقد
موضوع : داستان‌های فارسی - قرن ۱۴ ق - تاریخ و نقد
شناسه افزوده : نجف‌زاده، مهدی، ۱۳۳۲ مترجم
رده‌بندی کتگره : PIR ۳۸۵۳ / ۹ ق ۲ ۱۳۹۲
رده‌بندی دیویی : ۸ فا ۳/۰۹۳۲۱۸۲۱
شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۹۳۲۳
-

www.ketab.ir

در آینه ایرانی: تصور غرب و غربی‌ها در داستان ایرانی
نویسنده: دکتر محمدرضا قانون‌پرویز؛ مترجم: دکتر مهدی نجف‌زاده
چاپ اول، بهار ۱۳۹۳، شماره نشر: ۱۰۶
ویراستار: معصومه ارچنتائی؛ صفحه‌آرا: فاطمه حامدی یکتا، طراحی جلد: امیرحسین صالحی
لیتوگرافی: کارا، چاپ: دالاهو، صحافی: فرانگر، ناظر فنی چاپ: مصطفی شریفی
نماد: ۱۰۰۰ نسخه، قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۲-۰۰۰-۴
همه حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است، استفاده از مطالب با ذکر منبع بلااشکال است

انتشارات تیسّا
تهران، میدان بهارستان، خیابان ظهیرالاسلام، کوچه دیلمان، پلاک ۶ واحد ۳، تلفن: ۳۳۹۹۹۴۲۳، ۳۳۹۹۲۴۷
www.tccsa.ir iTeesa@mail.com

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	پیشگفتار
۱۹	فصل اول: مقدمه
۳۷	فصل دوم: شناخت شناخت
۸۱	فصل سوم: غرب در مقام مقایسه
۱۱۵	فصل چهارم: تأثیر بیگانه‌هراسی
۱۴۹	فصل پنجم: تصاویر ترک‌خورد
۱۸۵	فصل ششم: واکنش‌های پساانقلابی
۲۲۹	فصل هفتم: نتیجه‌گیری؛ در آینده و تصویر گ
۲۴۷	کتابنامه

پیشگفتار مترجم

بسیار خوشحالم به «پیشگفتار» در این کتاب «در آینه ایرانی» به سعی انتشارات پرکار «تیسرا» به دست خدنگان گرامی می‌رسد. نایاب شدن کتاب در بازار طی سال‌های اخیر، تجدید چاپ به صورت‌بندی جدید را ضروری می‌نمود، اما همواره این کار به دلایلی به تعویق می‌انجامید. خوشبختانه این موضوع اکنون میسر شده است. لاجرم تا آنجا که توانستم دستی به سر و روی متن کشیدم و برخی جملات ثقیل را روان‌تر کردم.

اهمیت کتابی که پیش رو دارید، افزون بر شرح مناقشه‌انگیزش، در شیوه‌ای است که دکتر محمد رضا قانون‌پرور استاد ایرانی دانشگاه تگزاس، به کار گرفته است. واقعیت این است که مسئله مواجهه ایران با آنچه «غرب» نامیده شده، همچنان در چشم‌اندازهای متفاوت و حتی متضاد، در فضای اندیشگی ایران در جریان است و حتی در فراگشت‌های تاریخی مترجم پرسش‌های جدید نیز انجامیده است. با این وجود، پرسش‌های علمی همچنان پابرجاست: «غرب چیست؟» یا بهتر بگوییم «غربی که به سمت آن رهسپاریم یا از آن می‌گریزیم چیست؟» نویسنده کتاب نه از رهگذر مألوف مطالعات سیاسی بلکه از گذرگاه فرهنگی و با استفاده از استعاره *استاندال* به

چنین پرسش‌هایی پاسخ داده است. استعاره استاندال به ما می‌گوید؛ امن‌ترین گذرگاه برای درک آگاهی‌های مردم یک جامعه و تغییرات بنیادین آن، موشکافی در متون ادبی آنان است. به تعبیر گرین‌بلات هرگونه مذاکره، مجادله، نزاع و جنگ طبقاتی، اجتماعی و سیاسی در لابه‌لای فریادها و کتوت‌های قهرمانان داستان‌ها و تئاترها دیده می‌شود؛ بنابراین در اینجا ادبیات داستانی یا آن‌چیزی که غربی‌ها به آن افسانه‌های اجتماعی می‌گویند، در سطح اصلی کتاب است. «در آینه ایرانی» یکی از محدود کتاب‌هایی است که از طریق خوانش متون داستانی، تصویر ایدئولوژیک و سیاسی شده غرب و غربی‌ها در نزد ایرانیان را از آغاز تا به امروز، به نمایش گذاشته است.

واقعیت این است که «ب» در ادبیات سیاسی ایران واژه‌ای نارسا و مناقشه‌انگیز است. نارسا از آن جهت که احتمالاً دال غرب به مدلولی خاص ارجاع نمی‌دهد و دامنه‌ای وسیع و گسترده در ادبیات مذهبی تا غرب مدرن در ادبیات جدید را در بر می‌گیرد. مناقشه‌انگیز نیز به این دلیل که یکی از درازپاترین جدال‌ها در میان روشنفکران ایرانی بر سر تعریف همین مفهوم در گرفته است؛ به نحوی که می‌توان ادعا کرد، در کنار مفاهیمی همچون دموکراسی، عقلانیت و مدرنیته، مفهوم غرب بیش از هر واژه دیگری موجب افتراق و جبهه‌گیری روشنفکران ایرانی و خلق گفت‌وگوهای جدید شده است. یکی از دلایل این امر آن است که غرب به عنوان یکی از کلمات کلیدی در فرهنگ سیاسی اجتماعی ایرانیان، موضعی متناقض به‌وجود آورده است. از یک سو، نخستین تجلیات خودآگاهی تاریخی ایرانیان به‌ایته غرب بازتابانده شد و در اصل این مدرنیته غربی بود که آنان را به درکی از هویت خود توانا ساخت؛ اما از سوی دیگر در چنین آینه‌ای، از همان آغاز، غرب ناپیدا به مثابه «دیگری» پیکره هویتی ایرانیان درآمد. به نوبه خود، بخشی از

این موضع متناقض‌نما ناشی از این واقعیت است که اولین مواجهه ایرانیان با کشورهای غربی در شرایط ناگوار تاریخی رقم خورد. دورانی که به تعبیر یکی از نویسندگان ایرانی، ما در تعطیلات تاریخ به سر می‌بردیم. دقیقاً در همان زمان که مدرنیته در غرب در حال تکوین بود و بر خرابه‌های رده‌السم اروپایی، بناهای جدیدی از عقلانیت و صنعت غربی بنیان می‌گرفت، چشم ایرانیان به واقعیت غرب گشوده شد؛ بنابراین نخستین آگاهی ایرانیان به توانایی‌های تاریخی خود از دریچه غرب بوده است؛ اما آگاهی‌ها بعداً پس جانفرساتر بودند. ایرانیان به‌زودی دریافتند که شکاف تاریخی میان آنان و غرب بسیار زیادتر از خوش‌بینی‌هایی است که پدران روشنفکری از آن‌ها گرفته بودند. بنابراین بازاندیشی در بنیان‌های سنتی به مثابه راهی برای پر کردن این شکاف‌ها و بازسازی آنها به حساب آمد، اما در جست‌وجوی ناکاهی‌های تاریخی، تدبیر واقعیت‌های دیگری گشوده شد و به‌ویژه در پاسخ به شرایط ناگوار و بی‌امان ایرانیان دریافتند که بخشی از عقب‌ماندگی‌های تاریخی را باید در آن سلطه بیگانگان دید؛ بنابراین نگاه ایرانیان به غرب همواره مشحون از گزاره‌های مثبت‌گرا، شیفتگی، ضدیت، ستیز و همگونگی بوده است.

نویسنده در این کتاب در عبور از دوره‌های تاریخی، نسیم ایرانیان از غرب را می‌کاود و به تدریج به نوعی تقسیم‌بندی دربارهٔ سنت‌ها و وجود در متون ادبی می‌پردازد. در نگاه قانون‌پرور، داستان مواجهه ایرانیان با غرب در اصل از شیفتگی به ناشناخته آغاز می‌شود، سپس به تناسل برای همگون‌سازی از طریق مقایسه تغییر جهت می‌دهد. در دوره سوم در مواجهه با تحولات سیاسی اجتماعی دوره پهلوی دوم، نفرت از غربیان جایگزین شیفتگی اولیه می‌شود؛ اما بعد از انقلاب متأثر از واقعیت‌های موجود جهان، به تدریج تصویر قبلی مبتنی بر بیگانگی و نفرت از غرب ترک می‌خورد و

سرانجام تصویری جدید نزد نویسندگان ایرانی سربرمی‌آورد که احتمالاً پیش از هر زمان دیگری واقعی‌تر، خنثی‌تر و انسانی‌تر است.

در ویرایش کتاب برای چاپ جدید از مساعی دوست عزیز و دانشورم، سروش معروضی برخوردار بوده‌ام که بدین وسیله قدردانی خود را ابراز می‌دارم. از سرکار خانم سیاه‌پشت به واسطه تلاش‌های وافرش در جهت آماده‌سازی و چاپ کتاب صمیمانه قدردانی می‌کنم. از مدیران لایق انتشارات سوره گنجی‌کتاب چاپ دوباره این کتاب را میسر ساختند تشکر می‌کنم. سرکار خانم‌ها/آقایان و جعفری، کتابداران باتجربه کتابخانه مرکزی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، در دستیابی من به نقل قول‌های اصلی و تطبیق متن با منابع اولیه کمک‌های بسیار کردند که شایسته تقدیر است. از همکارانم در دانشگاه فردوسی مشهد، غ از شر و شور نام و ننگ، مجالی را برای هم‌اندیشی فراهم آوردند، اسرارم و با گواه به صبوری همسرم، ترجمه این اثر را به دخترم آوا تقدیم می‌کنم.

پیشگفتار نویسنده

بذرهای اولیه این نوع ادبیات در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ جوانه زد، زمانی که سرگرم نشر شعر و نثر با عنوان پیامبران تقدیر: ادبیات به مثابه پدیده‌ای سیاسی، اجتماعی در ایران مدرن (۱۳۴۴) بودم. در این زمان، رابطه ایران با غرب و به‌ویژه ایالات متحده امریکای شمالی سرد بود. پیش‌تر انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، سمت‌وسویی ضدغربی یکنواخت بود. مناظر شبانه انقلاب ایران با جمعیتی که شعارهای ضدامریکایی سر می‌داد، پیام روشنی از عداوت و حتی کینه را بر صفحه تلویزیون‌های سرتاسر کشور می‌نشانده. پرچم امریکا زیر پیا لگدمال و آدمک عموسام به آتش کشیده می‌شد. رهبران انقلاب به‌ویژه شخصیت محوری جنبش، آیت‌الله خمینی که ایالات متحده را شیطان بزرگ می‌نامید، احساسات ضدامریکایی را ترغیب و تقویت می‌کردند. مهم‌تر از همه، با اشغال سفارت امریکا در تهران که به آن «لانه جاسوس» نام داده بودند، از جانب گروهی از انقلابی‌هایی که خود را دانشجویان پیرو خط امام می‌نامیدند، روابط دو کشور، و روابط ایران و غرب به‌طور کلی به لبه تند بحران، کشیده شد.

تحقیق درباره ادبیات مدرن فارسی با هدف تکمیل کتاب مزبور پیوسته ذهن نگارنده را به لزوم وجود کتابی درباره ادبیات فارسی به زبان انگلیسی، برای خوانندگان انگلیسی‌زبان مشغول ساخته بود. با این همه، آیا از امریکایی‌ها، و به‌ویژه خوانندگان احتمالی من، انتظار نمی‌رفت به دلیل اعمال احساسات ضد امریکایی ایرانیان، نسبت به هر چیز ایرانی و از آن جمله ادبیات فارسی واکنشی منفی نشان دهند؟ ضمن آنکه به عنوان دانشجوی ادبیات احساسات نمادین ضد امریکایی در ایران احساس همدلی داشتم. حمله نمادهایی از قبیل پرچم امریکا و عمو سام و ترسیم ایالات متحده در همین «سلطان بزرگ» مرا ترغیب می‌کرد در جست‌وجوی چنین نمادهایی به‌سوی سعی فهم ریشه واکنش‌های پدیدار شده در داستان‌های ایرانی را پیدا کنم. من نشان دادم که اغلب مستقیم یا غیرمستقیم با مسائل سیاسی - اجتماعی و نگرش‌ها و سیاست‌ها و مراودات متقابل با غرب در تعامل بوده است.

اکنون بیش از یک دهه از انقلاب ایران گذشته است [زصان نگارش کتاب ۱۹۹۳ است]^۱، و بسیاری از نویسندگان، از جمله سیاست‌مداران پیشین ایران، فعالان سیاسی و دانشگاهیان، گام‌هایی برای روشن کردن علل و ریشه‌های ناسازگاری^۲ میان ایران و غرب برداشته‌اند. برای فهم ریشه‌های منازعه برخی تحقیقات انجام شده و به تحقیق بیشتر تاریخ‌دانان و دانشمندان علوم اجتماعی نیاز است. در سالیان اخیر، شمار روزافزونی از دانشگاهیان از چشم‌اندازهای گوناگون به چنین مطالعاتی پرداخته‌اند که به عنوان نمونه می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: ایالات متحده و ایران: الگوهای

۱. در جایی که برخی کلمات، اشخاص و اسامی به توضیحاتی خارج از متن نیاز داشته‌اند، مترجم توضیحات خود را داخل کروشه آورده است.

مداخله (۱۹۸۲) نوشته «روح‌الله رضائی، واکنش‌های شرقی به غرب: مقالات مقایسه‌ای در: منتخب آثار نویسندگان دنیای اسلام (۱۹۹۰) نوشته نسرین رحیمه، روشنفکران ایران و غرب: مطالعه‌ای درباره شرق‌شناسی وارونه (۱۹۹۰) نوشته مهرزاد بررجردی و زنان غربی‌شده: غرب‌شناسی و اروپاییان (۱۹۹۳) نوشته محمد توکلی طرقي. این کتاب‌ها و دیگر مطالعات، مرزها و پایه‌های تشریحی دیدگاه ایرانیان نسبت به غرب را ارائه و فهم تصورات این نویسندگان را فراهم می‌کنند. اما نوشتار حاضر بر جنبه مشخصی از این مسأله تمرکز کرده است. با بررسی آثار شماری از نویسندگان ایرانی، نگارنده به تشریح صورت این نویسندگان از غرب و غربی‌ها، آن‌طور که در نوشته‌هایشان با موانع برخورد کرده‌اند، پرداخته است. به طور مشخص، نویسنده سعی کرده است به سؤالات اساسی پاسخ دهد: وقتی شخصیتی غربی در یک داستان ظاهر می‌شود چه نوع تقسیم می‌شود و چگونه جوامع غربی و تمدن غربی در این آثار ادبیانه نمود پیدا می‌کند؟ به عبارت دیگر، تصاویر غرب و غربی‌ها که در آینه داستان ایرانی ظاهر می‌شود چگونه است؟

واژه‌های غرب، غربی و باخترنشینان که در این نوشتار به کار رفته است، ممکن است نیازمند توضیحاتی باشد. غرب، موضوع اصلی این کتاب، همیشه با مرزهای جغرافیایی مشخصی تعریف نمی‌شود؛ چنان‌که گاهی به یک کشور به‌تنهایی اشاره دارد و گاهی در آفریقا و آسیا مثلاً یک داستان، حتی شکلی تصنعی می‌گیرد.

مفهوم انعطاف‌پذیر غرب، حتی باخترنشینانی که در شکل‌های اولیه آن این داستان‌ها ظاهر می‌شوند را نیز در بر می‌گیرد. نزد این نویسندگان، انگلیس، فرانسه و آلمان، و به همان نحو کشورهای کوچک‌تر از قبیل بلژیک

و سوئیس، غرب محسوب می‌شود. در دوره‌های متفاوتی از تاریخ، ابهاماتی در مورد اسپانیا و حتی ایتالیا وجود داشته است. از سوی دیگر، روسیه، هم قبل و هم بعد از انقلاب بلشویکی، در ذهن ایرانیان، تجسمی از غرب بوده است. آن سوی اقیانوس اطلس، به طور مشخص ایالات متحده و کانادا، جزئی از غرب محسوب شده است، درحالی‌که بخش وسیعی از امریکای لاتین از شمول این تعریف خارج شده است.

پژوهشگرانی مانند اثر علمی و مجادله‌انگیز ادوارد سعید^۱، یعنی شرق‌شناسی^۲، در اوایل دهه ۱۹۷۰، باعث رشد تفکرات انتقادی زیادی نسبت به رابطه غرب، و شرقی شدن به گفته سعید نزد شرق‌شناسان شامل خاورمیانه و هند بود. ممکن است آنچه در گذشته تصور می‌شد، به صورتی دیگر، به شکل کتابی درباره «غرب‌شناسی» یا «شرق‌شناسی» راجعه شرقی نسبت به شرق‌شناسی است. شاید خوانندگان تصورات ایستاره‌های نویسندگان ایرانی را روی دیگر سکه شرق‌شناسی بدانند، اگر به همین ادعایی کرد، این نکته باید در نظر گرفته شود که این ایستارها و تصورات تلاکزون ساخت و صورت‌بندی نشده است.

در کتاب حاضر، نگارنده از کاربرد هر دو نوع نظریه مشخص درباره تصویر غرب و غربیان در روان فردی و یا جمعی ایرانیان خودداری ورزیده و آن را به خوانندگان واگذار کرده است. نتیجه‌گیری من از قسمت‌هایی کتاب باید فقط جمع‌بندی مباحث داستان‌های [مورد بررسی] به حساب آید، اگرچه از خوانندگان انتظار دارم استفاده نگارنده از تصورات

1. Edward Said

2. Orientalism

این کتاب با همین عنوان به وسیله عبدالرحیم گواهی ترجمه و از سوی انتشارات علم منتشر شده است.

«خویشتن‌نگر»^۱ درباره ماهیت ادبیات و سواد دانشگاهی در ایران را به دیده اغماض بنگرند.

به طور کلی، آثاری که در این کتاب به آنها اشاره شده است را مهم‌ترین دستاوردهای نویسندگان ایرانی به نگارش در آورده‌اند. مطالعه عمیق موضوع - ناگزیر - در این کتاب است. صدها داستان کوتاه و رمان را که یا به صورتی کلی از غرب ترجمه شده و یا مستقیماً غرب را تصویر و تقریر کرده‌اند، بررسی کنم. نوشته‌ها و آثار متعددی که به ناچار شمار محدودی از این آثار را برای این کتاب برگزیده‌ام، آثاری است که به باور من از منظر ادبی به این موضوع نگریسته‌اند. کوشیده‌ام اثری را که ترجمه انگلیسی آنان در دسترس هست به خوانندگان ناآشنا به زبان فارسی ارائه کنم. اغلب اطلاعات کتاب‌شناسی این آثار، در پانوشت‌ها و کتاب‌شناسی پایانی کتاب آمده است.

طی سال‌ها، و از زمان غریب‌ترین پروژه اقبال‌زیادی داشته‌ام بتوانم تحقیقات خود درباره این موضوع را به بررسی از دانشجویان و دانشگاهیان دانشگاه‌های مختلف در فرصت‌های گوناگون مورد بحث قرار دهم. مقالاتی درباره جنبه‌های گوناگون این موضوع را در دانشگاه‌های ویرجینیا (۱۹۸۴)، کالیفرنیا در برکلی (۱۹۸۶)، نشست سالانه مطالعات خاورمیانه در امریکای شمالی در بالتیمور (۱۹۸۷)، دانشگاه سیسیگا (۱۹۸۸)، آریزونا (۱۹۸۹) و نشست سالانه انجمن دانشجویان خاورمیانه در آوستین (۱۹۸۹) ارائه داده‌ام.

هزینه اصلی این پروژه را دانشگاه ویرجینیا در تابستان سال ۱۹۸۳ پرداخت کرده است. بخش اعظم تحقیق و نگارش کتاب طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ دانشگاهی، سال‌هایی که بورس برنامه بنیاد راکفلر درباره

زبان‌ها و ادبیات خاورمیانه در دانشگاه میشیگان در «آن آربور»^۱ بودم، انجام شد.

برنامه‌ای که با عنوان «دریچه‌ای به مسائل و ارزش‌های معاصر جوامع خاورمیانه: برای کسانی که با زبان‌های خاورمیانه یا ادبیات آن آشنا نیستند»، برگزار شد، به‌ویژه با کار من مناسبت داشت. به‌ویژه باید از مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه در دانشگاه میشیگان، پرفسور ارنست مک کاروس^۲، کارمنای مرکز و بسیاری از دوستان، دانشگاهیان و دانشجویانی که این امکان را برای من فراهم کردند تا از سالی پربار در «آن آربور» لذت ببرم، سپاسگزارم. همچنین سپاس خود را به بنیاد راکفلر برای حمایت‌های مالی در طی این سال تقدیم می‌دارم. در تابستان سال ۱۹۹۱، بررسی پژوهشی از سوی دانشگاه گلاسگو^۳ به من تعلق گرفت و مرا قادر کرد تحقیق خود را کامل کنم و دست‌نوشته نهایی کتاب را فراهم آورم.

دوستان و هم‌دانشدگانی که در طی این سال‌ها حمایت خود را فزونی بخشیدند و با سخاوت تمام با اینجانب همکاری کردند. پرفسور حافظ فرمان‌فرمایان استاد دانشگاه تگزاس^۴ در آستین، با دانش خود از تاریخ ایران، به‌ویژه سفرنامه‌های قرن نوزدهم که در آنها در این نوشتار بارها سود جست‌ام، پیوسته الطاف خویش را ابراز می‌داشت. در مراحل گوناگون، از مباحث مطرح‌شده به‌وسیله‌ی شمار زیادی از دیگر هم‌دانشجویان استفاده کرده‌ام: لئوناردو الیشان^۵، ح. ق. عضدانلو، میشل برد، مهرز بیروجردی، حمید دهباشی، م. الف. جزایری، مهدی نوریان، راجر ساوری^۶ و محمد ترکلی

1. Ann Arbor
3. L. Alishan
5. R. Savory

2. Prof. Ernest Mccarus
4. Michael Beard

طرقی، جرنات ویندفور^۱ و بسیاری دیگر، کسانی هستند که بخشی یا تمام این اثر را خوانده‌اند و با ارائه شواهد و نکته‌یابی‌های خود، به غنای آن کمک کرده‌اند. در عین حال، هر گونه قصور و کوتاهی در این نوشته، آشکارا بر عهده نویسنده است. از شمار زیادی از دیگر دوستانم در داخل و خارج این کشور، خصوصاً اباذر سپهری مدیر مرکز خاورمیانه در کتابخانه پری کاستندا در دانشگاه تگزاس و علی دهباشی سردبیر [سابق] فصلنامه کلک [و بخارا] که در حمایت از این اثر، به‌های موردنیاز این کتاب کمک کردند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

بسیار متشکرم از دوستان خود را نسبت به کارمندان انتشارات دانشگاه تگزاس به‌ویژه فرانسوا و پاتریک و همچنین ترزا وینگ فیلد، نانسی و ریگتن و کارولین کیس برای حمایت‌های بی‌شمارم. از الی پوف که با وسواس زیاد ویرایش کتاب را انجام داد قدردانی می‌کنم و سرانجام خالصانه‌ترین سپاس‌های خود را به همسرم دایان تقدیم می‌دارم به دلیل زحماتش در تایپ دست‌نوشته‌ها و همچنین ابراز همدلی بی‌پایان در طول سالیان درازی که صرف این اثر شد.